

به نام خدا

نقش معلم در تسهیل یادگیری

مولفان :

فرشته رحیمی

عبدالراشد چاروزهی

زینب کوچکی

مسعود منصوری مقدم

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: رحیمی، فرشته، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور: نقش معلم در تسهیل یادگیری / مولفان فرشته رحیمی، عبدالراشد چاروزهی،
زینب کوچکی، مسعود منصوری مقدم.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۹۹ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۵۲۳-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: معلمان - تسهیل یادگیری
شناسه افزوده: چاروزهی، عبدالراشد، ۱۳۶۹
شناسه افزوده: کوچکی، زینب، ۱۳۶۸
شناسه افزوده: منصوری مقدم، مسعود، ۱۳۷۱
رده بندی کنگره: LB۱۰۵۶
رده بندی دیویی: ۳۷۰/۲۰
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۰۳۵۳۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: نقش معلم در تسهیل یادگیری
مولفان: فرشته رحیمی - عبدالراشد چاروزهی - زینب کوچکی - مسعود منصوری مقدم
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۵۲۳-۶
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست محتوا

عنوان	شماره صفحه
مقدمه	۵
فصل اول: شناخت مفهوم یادگیری و تسهیل آن	۹
تعریف یادگیری از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی:	۱۱
مفهوم تسهیل‌گری در فرایند آموزش:	۱۴
تمایز معلم داننده و معلم تسهیل‌گر:	۱۷
نقش فعال یادگیرنده در فرایند یادگیری:	۱۹
فصل دوم: ویژگی‌های معلم تسهیل‌گر	۲۳
مهارت‌های ارتباطی و همدلی:	۲۵
انعطاف‌پذیری در روش‌های تدریس:	۲۷
داشتن بینش تربیتی و روان‌شناختی:	۳۰
توانایی ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان:	۳۲
فصل سوم: ایجاد محیط یادگیری مثبت و حمایتی	۳۵
مدیریت کلاس و روابط بین‌فردی مؤثر:	۳۷
تقویت حس امنیت روانی در کلاس:	۴۰
کاهش اضطراب و ترس از شکست:	۴۳
ایجاد جو مشارکتی و همکارانه:	۴۵
فصل چهارم: استفاده از روش‌های نوین تدریس برای تسهیل یادگیری	۴۹
یادگیری فعال و روش‌های تعاملی:	۵۱
آموزش مبتنی بر پروژه و مسئله‌محور:	۵۴

بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی: ۵۶

استفاده از بازی‌های آموزشی و سرگرم‌کننده: ۵۸

فصل پنجم: شناسایی و پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی ۶۱

درک سبک‌های یادگیری مختلف: ۶۳

آموزش تفکیک‌شده و شخصی‌سازی‌شده: ۶۵

حمایت از دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه: ۶۷

تقویت نقاط قوت و مدیریت ضعف‌های تحصیلی: ۷۰

فصل ششم: ارزیابی برای یادگیری (Assessment for Learning) ۷۳

تفاوت ارزیابی سنتی با ارزیابی تکوینی: ۷۴

استفاده از بازخورد سازنده برای یادگیری بهتر: ۷۷

مشارکت دادن دانش‌آموز در فرایند ارزیابی: ۷۹

طراحی ابزارهای سنجش خلاق و متنوع: ۸۱

فصل هفتم: رشد حرفه‌ای معلم برای ایفای نقش تسهیل‌گر ۸۵

یادگیری مادام‌العمر و به‌روزرسانی دانش: ۸۷

خودارزیابی و بازتاب عملکرد آموزشی: ۸۸

همکاری با همکاران و یادگیری جمعی: ۸۹

شرکت در کارگاه‌ها و دوره‌های توانمندسازی معلمان: ۹۱

نتیجه‌گیری ۹۳

منابع ۹۷

مقدمه

در جهان پیچیده و پویای امروز، آموزش و پرورش دیگر تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی چندبُعدی و تعامل‌محور تلقی می‌شود که هدف آن پرورش انسان‌هایی متفکر، خلاق، و توانمند در حل مسائل زندگی است. در این مسیر، نقش معلم از یک انتقال‌دهنده اطلاعات به یک تسهیل‌گر یادگیری تغییر یافته است. معلمی که تنها به بیان محفوظات اکتفا کند، در دنیای امروز نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای متنوع و متغیر دانش‌آموزان باشد. نقش معلم تسهیل‌گر، نقشی کلیدی و تحول‌آفرین در آموزش است. این معلم نه تنها محتوای آموزشی را ارائه می‌دهد، بلکه شرایطی را فراهم می‌کند تا یادگیرندگان در فضایی باز، ایمن و خلاقانه، توانایی‌های ذهنی و اجتماعی خود را شکوفا سازند. معلم تسهیل‌گر، بیشتر به دنبال پرورش «چگونه فکر کردن» است تا «چه چیزی را به‌خاطر سپردن». او یادگیرنده را به مشارکت فعال در فرایند یادگیری دعوت می‌کند، پرسش‌گری را تشویق می‌نماید، و یادگیری را به تجربه‌ای معنادار و درونی تبدیل می‌کند. احمدی، م. (۱۳۹۵).

در گذشته، یادگیری امری منفعلانه تلقی می‌شد. دانش‌آموز در موقعیتی نشسته بود که اطلاعات از معلم به او انتقال می‌یافت. اما در مدل‌های نوین آموزشی، یادگیری فرایندی پویا و تعاملی است که با کنشگری و مشارکت فعال یادگیرنده شکل می‌گیرد. در این الگو، معلم نقش طراحی‌کننده، تسهیل‌گر و مشوق را بر عهده دارد و زمینه‌ای فراهم می‌کند تا یادگیرنده به‌صورت مستقل و نقادانه بیندیشد. امروزه با پیشرفت‌های چشمگیر در علم روان‌شناسی یادگیری، فناوری آموزشی، و نظریه‌های تعلیم و تربیت، درک ما از یادگیری بسیار عمیق‌تر شده است. می‌دانیم که یادگیری مؤثر در محیطی شکل می‌گیرد که در آن احساس امنیت، انگیزه درونی، ارتباط مثبت، و فرصت‌های متنوع برای تجربه وجود داشته باشد. در این میان، معلم به‌عنوان طراح این فضا نقش محوری ایفا می‌کند. تقی‌زاده، ن. (۱۳۹۶).

یادگیری تنها انتقال اطلاعات نیست، بلکه ساخت معنا، تفسیر تجربیات، و ایجاد ارتباط میان مفاهیم است. در این میان، معلم باید زمینه‌هایی فراهم آورد که در آن دانش‌آموز نه تنها پاسخ‌های آماده را دریافت کند، بلکه خود در جست‌وجوی پاسخ، فرضیه‌سازی، آزمون و بازاندیشی مشارکت کند. این نوع یادگیری، پایدارتر، عمیق‌تر و مؤثرتر است. و این دقیقاً جایی است که نقش تسهیل‌گر معلم خود را نشان می‌دهد. معلم تسهیل‌گر، نیاز دارد که به شیوه‌های متنوعی با دانش‌آموزان تعامل کند، به تفاوت‌های فردی آنان توجه نشان دهد، سبک‌های یادگیری مختلف را بشناسد و برای هر دانش‌آموز مسیری منحصر به فرد در یادگیری طراحی کند. همچنین، او باید نقش راهنما، ناظر، شنونده، و بازخوردهنده را در لحظات حساس فرایند یادگیری ایفا کند. در نقش سنتی، معلم مرکز کلاس بود، تصمیم‌گیرنده و دانای مطلق. اما در نقش تسهیل‌گر، کلاس به محیطی مشارکتی تبدیل می‌شود که در آن دانش‌آموزان فعالانه سؤال می‌پرسند، کشف می‌کنند و دانسته‌های خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند. در این کلاس، یادگیری محصول تعامل میان دانش‌آموزان، منابع، و تجارب مشترک است. تحقیقات متعددی در حوزه آموزش و پرورش نوین بر اهمیت نقش معلم در طراحی محیط یادگیری تأکید دارند. کلاس درس باید به فضایی پویا تبدیل شود؛ محیطی که در آن یادگیری فقط محدود به کتاب و تخته نیست، بلکه شامل تجربه، گفتگو، بازی، فناوری، پروژه و بازاندیشی می‌شود. و این نیازمند معلمانی است که نقش خود را فراتر از آموزش سنتی ببینند. عباسی، م. و یوسفی، س. (۱۳۹۷).

از سوی دیگر، تسهیل‌گری نیازمند مهارت‌هایی فراتر از دانش تخصصی است. معلم تسهیل‌گر باید دارای هوش هیجانی بالا، مهارت‌های ارتباطی پیشرفته، توانایی ایجاد انگیزه، مهارت در طراحی فعالیت‌های یادگیری و توان در ایجاد محیطی حمایتی و غیررقابتی باشد. چنین معلمی نه تنها تدریس می‌کند، بلکه الهام می‌بخشد، رشد می‌دهد و هدایت می‌کند. در عصر فناوری و اطلاعات، نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌گر یادگیری بیش از پیش اهمیت یافته است. با وجود منابع متنوع یادگیری در دسترس دانش‌آموزان، کار معلم این نیست که تنها منبع اطلاعات باشد، بلکه باید به دانش‌آموزان بیاموزد چگونه بیاموزند. این یعنی تجهیز آنان به مهارت‌های تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای، توانایی حل مسئله، و خودآموزی. احمدی، پ. (۱۳۹۸).

تسهیل‌گری در یادگیری، به معنای باز کردن درهای ذهن یادگیرنده است، نه پر کردن آن از محفوظات. معلم تسهیل‌گر بر رشد ذهنی، هیجانی و اجتماعی دانش‌آموز تمرکز دارد. او از طریق ایجاد فضای اعتماد، ارتباط عاطفی، و فرصت‌های بازخورد مستمر، دانش‌آموز را به مشارکت در یادگیری دعوت می‌کند. او اشتباه را فرصتی برای یادگیری می‌داند، نه شکست. افزون بر این، نقش معلم در تسهیل یادگیری به معنای پرورش خلاقیت و استقلال در یادگیری است. معلم باید شرایطی را فراهم آورد تا دانش‌آموزان به جای تقلید و حفظ کردن، به جستجو، تجربه و خلاقیت روی بیاورند. این نوع یادگیری، نسل آینده را برای مواجهه با مسائل ناشناخته آماده می‌سازد. آینده آموزش وابسته به معلمانی است که بتوانند نقش خود را در این چشم‌انداز جدید بازتعریف کنند. آن‌ها باید پذیرای تغییر، آگاه از علوم تربیتی نوین، و آماده برای یادگیری مداوم باشند. نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌گر نه پایان معلمی، بلکه اوج آن است؛ جایی که معلم نقش مربی، همراه و مشاور را ایفا می‌کند. احمدی، م. و رضایی، ف. (۱۳۹۸).

فصل اول:

شناخت مفهوم یادگیری و تسهیل آن

یادگیری یکی از بنیادی‌ترین فرایندهای انسانی است که از بدو تولد تا پایان زندگی همراه ماست. انسان‌ها از طریق یادگیری، با محیط اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند، رفتار خود را تنظیم می‌نمایند، دانش و مهارت کسب می‌کنند و در مسیر رشد و تحول گام برمی‌دارند. مفهوم یادگیری در طول تاریخ، همواره مورد توجه اندیشمندان، روان‌شناسان، مربیان و فلاسفه قرار داشته و از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. از نگاه سنتی، یادگیری به‌مثابه انباشت دانش در ذهن فرد تلقی می‌شد؛ اما امروزه یادگیری فراتر از حفظ و تکرار، به فرایندی پیچیده، تعاملی، و سازنده تبدیل شده است. در نظریه‌های نوین روان‌شناسی، یادگیری به‌عنوان تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری فرد در نتیجه تجربه تعریف می‌شود. این تغییر ممکن است در حوزه شناختی، عاطفی یا روان‌حرکتی رخ دهد و الزماً قابل مشاهده نباشد. یادگیری ممکن است از طریق مشاهده، مشارکت، تمرین، یا تعامل شکل گیرد و متأثر از انگیزه، علاقه، توجه، پیش‌دانسته‌ها، محیط و عوامل دیگر باشد. بنابراین، یادگیری صرفاً انتقال محتوا از معلم به دانش‌آموز نیست، بلکه مشارکت فعال ذهنی و تجربی فراگیر در ساخت و بازسازی مفاهیم و معانی است.

در چنین دیدگاهی، یادگیرنده موجودی منفعل نیست که تنها اطلاعات را دریافت کند، بلکه فردی فعال، کنجکاو، و جستجوگر است که از طریق تعامل با محیط، دیگران و اطلاعات، به معنا می‌رسد. یادگیری یک فرایند سازنده است که در آن دانش‌آموز مفاهیم جدید را با دانسته‌های قبلی خود پیوند می‌دهد، تفسیر می‌کند، تغییر می‌دهد و در نهایت بازسازی می‌کند. این فرایند، زمانی مؤثر و پایدار خواهد بود که دانش‌آموز درگیر فعالیت‌های ذهنی،

عاطفی و فیزیکی شود و احساس تعلق، انگیزه، آزادی در انتخاب و مسئولیت‌پذیری داشته باشد. تقی‌زاده، ن. (۱۳۹۶).

در این میان، نقش معلم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در گذشته، معلم به‌عنوان منبع اصلی اطلاعات و دانای مطلق تلقی می‌شد؛ اما در آموزش نوین، او تسهیل‌گر فرایند یادگیری است. تسهیل به معنای ساده‌سازی نیست، بلکه به معنای فراهم آوردن زمینه‌ها و شرایطی است که در آن یادگیری به شکلی مؤثر، فعال و عمیق اتفاق افتد. تسهیل یادگیری یعنی فراهم کردن فرصت‌هایی برای کنشگری، تأمل، تعامل، کشف، خطا، پرسش‌گری، و بازنگری در تجربه‌های قبلی. تسهیل یادگیری مستلزم شناخت عمیق از ویژگی‌های یادگیرندگان، سبک‌های یادگیری، انگیزه‌ها، پیش‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، و نیازهای عاطفی آنان است. معلمی که بتواند یادگیری را تسهیل کند، بیش از آنکه بر محتوا متمرکز باشد، بر فرایند یادگیری و نحوه شکل‌گیری فهم و معنا در ذهن دانش‌آموزان تمرکز دارد. او باید محیطی ایجاد کند که در آن خطا پذیرفته شود، تفکر انتقادی رشد یابد، گفت‌وگو جریان یابد، خلاقیت شکوفا شود و احساس امنیت روانی حاکم باشد. معلم تسهیل‌گر به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا خود مسیر یادگیری را طی کنند. او همچون مربی است که در کنار یادگیرنده حرکت می‌کند، نه جلوتر یا بالاتر از او. او به جای انتقال اطلاعات، سؤالاتی طرح می‌کند که ذهن دانش‌آموز را به فعالیت وامی‌دارد، موقعیت‌هایی فراهم می‌آورد که در آن یادگیرنده در معرض انتخاب، تجربه و تصمیم‌گیری قرار گیرد، و بازخوردهایی ارائه می‌دهد که به رشد شناختی و شخصیتی دانش‌آموز منجر شود. این معلم به جای کنترل یادگیری، آن را هدایت می‌کند و به جای تأکید بر پاسخ‌های درست، فرایند رسیدن به پاسخ را ارزشمند می‌داند. احمدی، پ. (۱۳۹۸).

تسهیل یادگیری مستلزم باور به توانایی‌های دانش‌آموزان است. معلم باید باور داشته باشد که هر دانش‌آموز توانایی یادگیری دارد، حتی اگر با سرعت و سبک متفاوتی یاد بگیرد. این نگاه، نیازمند انعطاف‌پذیری در تدریس، طراحی فعالیت‌های متنوع، بهره‌گیری از منابع مختلف و ایجاد فرصت برای یادگیری فردی و گروهی است. معلم تسهیل‌گر می‌داند که تنها با سخنرانی نمی‌توان فهم عمیق ایجاد کرد، بلکه باید فضاهایی طراحی شود که دانش‌آموز درگیر تجربه شود، کشف کند، و معنا بسازد.

یادگیری زمانی رخ می‌دهد که ارتباط عاطفی میان یادگیرنده و موضوع یادگیری شکل گیرد. بنابراین، تسهیل یادگیری نیازمند برقراری ارتباط انسانی، همدلی، شنیدن فعال، و توجه به نیازهای هیجانی یادگیرنده است. معلمی که شنونده خوبی باشد، احساسات دانش‌آموز را درک کند، و فضای صمیمانه‌ای در کلاس ایجاد نماید، زمینه مناسبی برای یادگیری فراهم می‌کند. همچنین استفاده از طنز، قصه، بازی، فناوری و فعالیت‌های خلاقانه می‌تواند یادگیری را جذاب‌تر، معنادارتر و ماندگارتر سازد.

تسهیل یادگیری به معنای پرورش انسان‌هایی مستقل، مسئول، خلاق و یادگیرنده مادام‌العمر است. معلمی که این مسیر را تسهیل می‌کند، نقشی فراتر از انتقال‌دهنده دارد؛ او یک همراه، مشاور، طراح، الهام‌بخش و الگو است. او نه تنها به یادگیری اهمیت می‌دهد، بلکه به رشد انسانی، اخلاقی و اجتماعی فراگیران نیز توجه دارد. تسهیل یادگیری، هنری است که با دانش، تجربه، تعهد و عشق معلم آمیخته می‌شود و نتیجه آن، رشد و شکوفایی توانمندی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان خواهد بود. احمدی، م. (۱۳۹۵).

تعریف یادگیری از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی:

یادگیری یکی از مهم‌ترین مفاهیم در روان‌شناسی تربیتی است که همواره مورد توجه نظریه‌پردازان، معلمان، روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. یادگیری، فرایندی پیچیده، پویا و چندبعدی است که در نتیجه آن، فرد می‌تواند رفتارها، نگرش‌ها، باورها، اطلاعات و مهارت‌های جدیدی کسب کند و آن‌ها را در موقعیت‌های گوناگون به کار ببندد. در روان‌شناسی تربیتی، یادگیری به‌عنوان تغییری نسبتاً پایدار در رفتار یا توانایی رفتار تعریف می‌شود که در نتیجه تجربه یا تعامل فرد با محیط به‌وجود می‌آید. این تغییر ممکن است بلافاصله آشکار نشود، اما بر عملکرد فرد در آینده اثر خواهد گذاشت. این تعریف از یادگیری، بر جنبه پایداری، تجربه‌محور بودن، و تأثیر بر رفتار فرد تأکید دارد. تغییر در رفتار ممکن است به صورت‌های گوناگونی ظاهر شود: از کسب دانش و مهارت‌های جدید گرفته تا تغییر نگرش و باورها. یادگیری می‌تواند آشکار یا ضمنی، آگاهانه یا ناخودآگاه، هدفمند یا تصادفی باشد. مثلاً کودکی که در نتیجه مشاهده والدینش استفاده از قاشق را می‌آموزد، در حال یادگیری ضمنی

است. در حالی که دانش‌آموزی که با تمرین ریاضی و دریافت بازخورد از معلمش در حل مسائل پیشرفت می‌کند، در حال تجربه‌ی یادگیری هدفمند و آگاهانه است. در هر دو صورت، آنچه اهمیت دارد، تأثیر این تجربه بر رفتار فرد در آینده است.

روانشناسان تربیتی برای درک دقیق‌تر یادگیری، به بررسی عوامل مؤثر بر آن، از جمله انگیزش، حافظه، توجه، درگیری ذهنی، پیش‌دانسته‌ها، سبک‌های یادگیری و محیط آموزشی می‌پردازند. آن‌ها معتقدند که یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که فرد اطلاعات جدید را به ساختارهای شناختی قبلی خود پیوند دهد و آن را در چارچوب ذهنی خود بازسازی کند. بر این اساس، یادگیری صرفاً حفظ و تکرار اطلاعات نیست، بلکه شامل پردازش فعال، درک، تحلیل، و سازمان‌دهی مفاهیم و اطلاعات است. یادگیری زمانی عمیق و پایدار خواهد بود که با درگیری ذهنی و هیجانی همراه باشد. یکی از ویژگی‌های مهم تعریف یادگیری در روان‌شناسی تربیتی، تأکید بر نقش تجربه در شکل‌گیری رفتار است. یادگیری امری اکتسابی است و از طریق تعامل فرد با محیط، تمرین، آموزش، مشاهده و حتی اشتباه کردن اتفاق می‌افتد. در این فرایند، نقش معلم، همسالان، خانواده و محیط‌های فیزیکی و اجتماعی بسیار مهم است. هر تجربه‌ای که فرد را به اندیشیدن، بررسی و پاسخ‌گویی وا دارد، می‌تواند در تقویت یادگیری مؤثر باشد.

از دیدگاه رفتارگرایان، یادگیری زمانی رخ می‌دهد که در نتیجه تقویت و تکرار، پاسخ مطلوب تثبیت شود. آن‌ها معتقدند رفتارها در اثر محرک‌های بیرونی شکل می‌گیرند و با تقویت‌های مثبت یا منفی قابل کنترل‌اند. در مقابل، نظریه‌های شناخت‌گرا به فرایندهای ذهنی مانند تفکر، حافظه، ادراک و سازمان‌دهی اطلاعات توجه دارند. آن‌ها یادگیری را نه تنها نتیجه پاسخ به محرک، بلکه حاصل پردازش فعال ذهنی و معنا دادن به اطلاعات می‌دانند. از سوی دیگر، دیدگاه‌های سازنده‌گرایانه بر این باورند که یادگیرنده با استفاده از تجارب خود، مفاهیم را می‌سازد و درک خود را از جهان پیرامون توسعه می‌دهد. در روان‌شناسی تربیتی، یادگیری به عنوان فرایندی در نظر گرفته می‌شود که فرد را از حالت ناتوانی به سوی توانایی سوق می‌دهد. این توانایی می‌تواند شناختی، هیجانی، رفتاری یا اجتماعی باشد. مثلاً یادگیری نوشتن انشا، حل مسئله ریاضی، همکاری در گروه، یا مدیریت هیجانات، همگی اشکالی از یادگیری‌اند. این

فرایند نه تنها در مدرسه، بلکه در خانه، محیط اجتماعی، و حتی فضاهای مجازی نیز رخ می‌دهد. امروزه با توسعه فناوری، بسترهای یادگیری متنوع شده‌اند و یادگیرندگان در معرض اطلاعات گسترده و تجربیات متنوع قرار دارند.

تغییراتی که از طریق یادگیری حاصل می‌شود، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی تأثیرگذارند. فردی که از طریق آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی را یاد گرفته باشد، تصمیم‌های بهتری می‌گیرد، رفتارهای سنجیده‌تری از خود نشان می‌دهد و در تعامل با دیگران موفق‌تر خواهد بود. همچنین جامعه‌ای که یادگیری را به‌عنوان یک اصل اساسی در رشد و توسعه تلقی کند، می‌تواند سرمایه انسانی خود را ارتقا دهد و به پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دست یابد. از این رو، شناخت دقیق مفهوم یادگیری و راهکارهای ارتقای آن، برای سیاست‌گذاران آموزشی، معلمان، خانواده‌ها و تمام فعالان عرصه تعلیم و تربیت ضروری است. یکی دیگر از ویژگی‌های یادگیری از منظر روان‌شناسی تربیتی، توجه به تفاوت‌های فردی است. افراد در سبک‌های یادگیری، سرعت یادگیری، علاقه‌مندی‌ها، حافظه و پیش‌زمینه‌های شناختی و فرهنگی با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین، رویکرد یکسان به همه‌ی یادگیرندگان کارآمد نخواهد بود. معلمی که بخواهد فرایند یادگیری را به‌درستی هدایت کند، باید این تفاوت‌ها را بشناسد و روش‌ها، محتوا و فعالیت‌های آموزشی را با نیازهای متفاوت فراگیران تطبیق دهد. تنها در این صورت می‌توان انتظار داشت که یادگیری مؤثر و پایدار اتفاق افتد.

در تعریف یادگیری، عنصر انگیزش نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که فرد دارای انگیزه و میل درونی برای یادگیری باشد. انگیزه می‌تواند از عوامل درونی مانند علاقه، کنجکاوی، احساس موفقیت، یا از عوامل بیرونی مانند نمره، تشویق، پاداش و فشار اجتماعی ناشی شود. هرچند انگیزه بیرونی می‌تواند محرک خوبی برای شروع یادگیری باشد، اما انگیزه درونی، پایداری و عمق بیشتری در یادگیری ایجاد می‌کند. از این رو، معلم و محیط آموزشی باید شرایطی را فراهم کنند که انگیزه‌های درونی در دانش‌آموزان شکوفا شود. یادگیری همچنین با فرایندهای شناختی دیگر مانند حافظه، توجه، درک و سازمان‌دهی اطلاعات پیوند دارد. فرد برای یادگیری باید بتواند اطلاعات جدید را وارد حافظه کند، آن‌ها را با اطلاعات پیشین ترکیب نماید، ساختار مفهومی ایجاد کند و در مواقع لازم آن را بازیابی نماید. این

فرایند، نیازمند وجود شرایط ذهنی مناسب، توجه و تمرکز کافی و عدم وجود موانع روانی یا اضطراب است. به همین دلیل است که روان‌شناسان تربیتی به نقش عوامل هیجانی و روانی در یادگیری توجه فراوان دارند. تقی‌زاده، ن. (۱۳۹۶).

یادگیری نه‌تنها کسب دانش است، بلکه شامل توانایی به‌کارگیری آن در موقعیت‌های مختلف نیز می‌شود. یعنی اگر فردی مفهومی را به‌خوبی درک کند اما نتواند آن را در عمل به‌کار ببرد، هنوز فرایند یادگیری به‌طور کامل اتفاق نیفتاده است. یادگیری مؤثر، یادگیری‌ای است که به تغییر رفتار منجر شود، توانایی حل مسئله ایجاد کند، و فرد را برای مواجهه با چالش‌های زندگی توانمند سازد. روان‌شناسی تربیتی با مطالعه دقیق فرایند یادگیری و تلاش برای بهینه‌سازی آن، نقش بی‌بدیلی در نظام آموزشی دارد و یکی از مؤثرترین ابزارهای تربیت انسان توانمند در دنیای امروز به‌شمار می‌رود. بهرامی، م. (۱۳۹۵).

مفهوم تسهیل‌گری در فرایند آموزش:

تسهیل‌گری در فرایند آموزش، مفهومی نوین و تحول‌آفرین در نظام‌های تربیتی معاصر است که نگاه سنتی به آموزش را دگرگون می‌سازد. در این رویکرد، نقش معلم دیگر صرفاً انتقال‌دهنده دانش و اطلاعات نیست، بلکه به‌عنوان یک تسهیل‌گر، شرایط و بستر یادگیری را برای یادگیرندگان فراهم می‌کند تا آنان بتوانند با درگیری فعال، تعامل معنادار و تجربه‌محور، به کشف مفاهیم، حل مسائل و رشد شخصی برسند. تسهیل‌گری یعنی هموار کردن مسیر یادگیری، نه تحمیل آن؛ یعنی ایجاد فرصت‌هایی برای اندیشیدن، نه فقط ارائه پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده؛ یعنی احترام به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان، و کمک به آنان برای شکوفایی استعدادهای منحصربه‌فردشان.

در مدل تسهیل‌گر، معلم نه در جایگاه قدرت مطلق و آمرانه، بلکه در نقش هدایتگر، مشوق، شنونده و حامی ظاهر می‌شود. او می‌کوشد تا فضای آموزشی را از حالت رسمی، خشک و سلطه‌محور به محیطی پویا، آزاد، امن و انگیزشی تبدیل کند. تسهیل‌گر از طریق طراحی فعالیت‌های گروهی، پرسش‌های باز، روش‌های اکتشافی، و یادگیری مبتنی بر پروژه، دانش‌آموز را به سمت مشارکت فعال سوق می‌دهد. هدف او آن است که فراگیرنده در مرکز فرایند

یادگیری فرار گیرد، مالک فرآیند یادگیری خود شود و حس مسئولیت‌پذیری، کنجکاوی و استقلال در او پرورش یابد. تسهیل‌گری مستلزم درک عمیق از روان‌شناسی یادگیری، شناخت سبک‌های یادگیری، و مهارت‌های ارتباطی پیشرفته است. معلم تسهیل‌گر باید بداند چگونه با زبان بدنی مناسب، نگاه حمایت‌گر، رفتار همدلانه و شنیدن فعال، فضای کلاس را از اضطراب و رقابت ناسالم پاک کند و آن را به فضایی امن برای بروز افکار، پرسش‌ها و تجربیات فردی تبدیل نماید. در چنین فضایی، فراگیرندگان احساس ارزشمندی می‌کنند، جرئت آزمون و خطا کردن پیدا می‌کنند و فرایند یادگیری را نه به‌عنوان وظیفه، بلکه به‌عنوان تجربه‌ای لذت‌بخش درک می‌کنند. در تسهیل‌گری، محور اصلی توجه از محتوا به فرایند یادگیری منتقل می‌شود. یعنی به‌جای آنکه صرفاً بر حجم مطالب تمرکز شود، به چگونگی یادگیری، چگونگی پردازش اطلاعات، تعامل یادگیرنده با محتوا، نقش تجربه و زمینه‌های کاربردی آن توجه می‌شود. این تغییر رویکرد باعث می‌شود که آموزش صرفاً حفظ مطالب و بازگویی اطلاعات نباشد، بلکه به فرایندی زنده، خلاق، و برانگیزاننده تبدیل شود. معلم تسهیل‌گر بیشتر می‌پرسد تا پاسخ دهد، بیشتر مشاهده می‌کند تا مداخله نماید، بیشتر راهنمایی می‌کند تا مدیریت مطلق داشته باشد.

تسهیل‌گری مستلزم تغییر نگرش بنیادی در نظام آموزش است. این تغییر از نگاه ابزاری به آموزش فاصله می‌گیرد و آموزش را به‌عنوان فرآیندی انسانی، رابطه‌محور و پرورشی می‌نگرد. یادگیری در چنین مدلی نه به‌صورت خطی، بلکه به‌صورت چرخشی، در تعامل با دیگران، با تکرار، بازتاب و خودارزیابی شکل می‌گیرد. نقش خطاها، آزمون و بازنمایشی در این مدل بسیار مهم است، چراکه تسهیل‌گر به خطا به‌عنوان بخشی طبیعی و سودمند از فرآیند یادگیری نگاه می‌کند. بهرامی، م. (۱۳۹۵).

ویژگی دیگر تسهیل‌گری، توجه عمیق به انگیزه‌های درونی یادگیرنده است. برخلاف آموزش سنتی که عمدتاً به عوامل بیرونی همچون نمره، تشویق یا تنبیه متکی بود، تسهیل‌گر می‌کوشد تا انگیزه‌های درونی همچون حس کنجکاوی، علاقه، هدف‌مندی و اشتیاق به یادگیری را در دانش‌آموزان بیدار و تقویت کند. چنین انگیزه‌هایی پایدارتر، عمیق‌تر و اثربخش‌تر از هر نوع مشوق بیرونی هستند و موجب می‌شوند که یادگیرنده مسیر یادگیری را با میل و انتخاب طی کند، نه از سر اجبار و ترس.